

نخستین تکیه تهران را یک شاهزاده خانم ساخت

نخستین تکیه برای عزاداری اعیادالله الحسین (ع) را یک شاهزاده خانم، زمانی ساخت که تهران روستایی در شمال شهر ری بود و تازه به سمت شهر شدن پیش می‌رفت. شاه‌طهماسب صفوی به برگزاری عزاداری امام حسین(ع) و یارانش در محرم و صفر پایبند بود. او برای زیارت، زیاده ری سفر می‌کرد و به دلیل رفت و آمدهایش به تهران، دور تسادور آن را حصار و برج و بارو کشید. با کشیدن حصار، تهران به شهری کوچک و امن تبدیل شد. خواهر شاه طهماسب هم همین زمان مدرسه، حمام و تکیه‌ای را اطراف «چال میدان» جایی که پیشتر تهرانی‌ها آنجا زندگی می‌کردند، بنا کرد. بعد از مدتی، گلدی در محله چال میدان، جایی که این آئینا ساخته شده بود، شکل گرفت که تهرانی‌های قدیم به آن «گذر خانوم» می‌گفتند و مدرسه، حمام و تکیه نیز به همین نام معروف بود.

وقف تکیه، حمام و مدرسه

نام این تکیه قدیمی در منابع زیادی آمده، اما دانسته‌های ما درباره آن فراتر از نامش نمی‌رود و حتی مشخص نیست کدام یک از ۴ دختر شاه اسماعیل، پری خانم، مهین بانو، زینب خانم یا فرنگیس خانم و به چه دلیل این تکیه را برای تهرانی‌ها ساخته است. برخی از منابع تاریخی نوشته‌اند کوچک‌ترین دختر شاه‌اسماعیل، زنی ادیب و شاعر بود و شاه نیز اغلب با وی مشورت می‌کرد و در تمامی امور کشوری و تجاری و اقتصادی نظرش را جویا می‌شد. بر این اساس، می‌توان حدس زد که این همان خواهر شاه طهماسب است که مدرسه و حمام و تکیه را ساخت و وقف کرد. این تکیه در دست در انتهای شمال شرقی حصار شهر و در جایی قرار داشته که امروز به‌عنوان بازارچه نایب‌السلطنه آن را می‌شناسیم.

نخستین بنا بعد از ساخت باروی تهران

حجت بلاغی در تاریخ تهران نوشته است: «اولین بناهایی که پس از تکمیل بنای باروی شاه طهماسب در تهران ایجاد شده است تکیه، مدرسه و حمام خانم است که بر حسب امر خواهر شاه بنا شده است. از این آثار تکیه و حمام باقی است اما مدرسه خانم در محله افغان‌ها به تهران خراب شد. بعد صاحب دیوان در جای آن حسینیهای بنا کرد که اکنون مدرسه‌های معروف به فرنگ در همان محل است. موقوفات مربوط به این تکیه عبارت است از ۳ باب دکان، مسجد، گنر و حمام خانم و تکیه به مساحت ۳۰۰ متر در بخش ودلاجان». تکیه خانم سال‌ها از تغییر و آسیب در امان ماند، ولی اثری از آن نیست.



وقفنامه نذری‌ها

فرزندان حاج رمضانعلی فرزند، مرد خیر فرزند، به‌همراه چند خانواده، زمین را از حاج‌شکر الله، از بزرگان محله، خریدند و بنای حسینیه را با خشت و گل و چوب بنا کردند. بعد از ساخت حسینیه، ریش‌سپیدان فرزند برای اینکه حسینیه روستایشان تا ابد پایرجا بماند بهترین زمین‌ها، باغ‌ها و املاکشان را وقف حسینیه کردند و هر کدام از آنها اطعام یک وعده از غذاهای نذری محرم را با درآمد ملک و قفیشان عهده‌دار شدند. این‌طور که عهده‌ایات امنای حسینیه فرزند می‌گویند، در همه وقفنامه‌های اهالی برای حسینیه، ذکر شده که اطعام عزاداران حسینی تا قیامت ادامه خواهد داشت. به همین دلیل در روزهایی که بسیاری از باغ‌های وقفی در اثر بی‌آبی خشک‌شده و دیگر درآمدی ندارند، فرزندان و اققان در این باغ‌ها رستوران زده یا خانه‌های مسکونی ساخته و اجاره داده‌اند تا وصیت‌پذرها و پدر بزرگ‌ها و اجدادشان را بتوانند عملی کنند.

ظروف مسی ۴۰۰ ساله

قدمت حسینیه فرزند به سال‌های دور برمی‌گردد، اما تنها سندی که از این حسینیه قدیمی برجای مانده ظروف مسی است که تاریخ مندرج بر آنها قدمتی ۴۰۰ ساله را نشان می‌دهد. مسلماً این تاریخ، تاریخ بنای حسینیه نیست ولی به گفته اهالی، می‌شود همین را دلیل بر قدمت این بنای مذهبی دانست. مرور کتاب‌های تاریخی که از حیات اجتماعی روزگار دور تهران قدیم روایت می‌کنند، زمان ساخت اکثر حسینیه‌های قدیمی پایتخت را به دوره قاجاریه نسبت می‌دهد؛ یعنی دوره و نوبتی که تعزیرونق می‌گیرد و بر اهمیت تکایا می‌افزاید. در همان سال‌ها رونق تکیه‌های تهران و رجوع مردم به آنها به حدی بود که ۵۰ تا ۷۰ تکیه ساخته می‌شود. چنان که از اسناد برمی‌آید، در زمان ناصرالدین‌شاه روستاهای شمیران و دیگر روستاهای اطراف تهران نیز هر کدام تکیه یا تکیه‌هایی برای خود داشت‌اند. حسینیه فرزند نیز یکی از این تکیه‌های قدیمی و معروف است.

هر طایفه در یک طاق نما

بنای این روزهای حسینیه چیزی حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ مترمربع وسعت دارد؛ ساختمانی ۴طبقه با زیرزمین و آشپزخانه و چایخانه. این بنا بیش از ۲ دهه پیش ساخته شد و به گفته قدیمی‌های محل، سومین بنايي است که مرمت شده است. قبل از این، بنای آجری با ستون‌ها و دیوارهای بسیار عرض حسینیه را پوشانده بود. رحیم فرزند از معتمدان فرزند در بازدید از یکی از قدیمی‌ترین حسینیه‌های منطقه همراه ماست. او که بنای قدیمی حسینیه را به یاد دارد می‌گوید: «دیوارهای حسینیه عرضی بیشتر از یک و نیم طبقه بود و مساحتش هم از بنای امروز کمتر بود. دور تادور حسینیه طاق نما بود که برای استقرار طایفه‌های مختلف ساخته شده بود. رسم بود بزرگان طایفه در این طاق نماها می‌نشستند و مراسم را نظاره می‌کردند.» در بنای این روزهای حسینیه می‌شود معماری طاق نماها را دید که بیشتر جنبه تزیینی دارد. طاق نماهای کنونی، کاربرد قدیم را ندارند و تنها برای وفادار ماندن به فرم معماری حسینیه‌ها ساخته شده‌اند. او می‌گوید: «قدیمی‌ترین تراوایت می‌کردند که بخش‌هایی از حسینیه سقف نداشت، وسطش دالانی داشت مثل راهرو که کاروانسراها از آن عبور می‌کردند و برای محرم با چادری سیاه پوشیده می‌شد.»



حسینیهای که با وضو ساخته شد

معماری و ساخت‌وساز تکیه‌ها آداب و رسوم خاصی داشت و همیشه مورد توجه معماران بزرگ و صاحب‌نام بود. علاوه بر اینکه منابع مالی ساختمان و اداره آن را مردم تأمین می‌کردند، حسن و حال سازندگان همراه با عرض ادب و ارادت به پیشگاه اهل بیت(ع) بود. از این‌رو معمولاً آغاز آن همراه با مجلس وعظ و روضه‌خوانی بود و افرادی را که صالح و درستکار می‌دانستند برای ساخت دعوت می‌کردند. خیلی وقت‌ها کارگران و استادکارها پیوسته با وضو بودند و برای هر آجری که کار می‌گذاشتند یا حسین و یا علی می‌گفتند و اشک و آه با خاک و گل عجنین می‌شد.

آجر به آجر حسینیه را اهالی گذاشتند

رحیم فرزند از طراح آخرین بنای حسینیه، به نام حاج معمار، نام می‌برد و می‌گوید: «حاج معمار پدرزن همین حاج‌محمد رضا طالقانی، رئیس اسبق فدراسیون کشتی بود. او طرح حسینیه را کشید و دیگر معماران آن را تمام کردند. راستش همه فرزندها را در ساخت این بنا سهیم هستند. خودم آن روزها که جوان بودم کچ و آجر به‌دست بنا می‌دادم. پدرم بعد از کار روزانه حتماً باید سری به حسینیه می‌زد و در کارها کمک می‌کرد.» تک تک فرزندهای نادر کردند و آجر به آجر بنای جدید حسینیه را بالا بردند. رد معماران قدیم حسینیه را که می‌گیریم همگی به دیار حق شتافته‌اند؛ حاج‌عبدالحسین فرزند، حاج‌رحمت فرزند و استاد اسماعیل فرزند را خدا بیاورد. رحیم فرزند از زبان حاج‌علی نقی فرزند، یکی از معماران حسینیه، نقل می‌کند: «محال بود وضو بگیریم. یکی توجه می‌خواند و بقیه با گریه و اشک کار می‌کردند. نقل دستمزد نبود، انگاری که وظیفه بود. هرچه از روزهای بنایی و معماری نصیب شد به برکت ساخت همین حسینیه بود.»

پیر غلامان یکی از قدیمی‌ترین حسینیه‌های پایتخت از ۴۰ شب عزاداری پر شور و مخلصانه می‌گویند ۴۰۰ سال عاشقی در فرزند

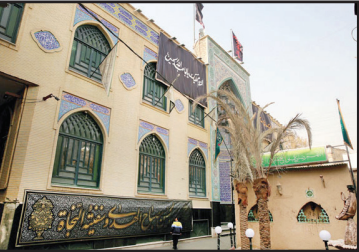
سمریاباجانبیور چراغ سبزوودی حسینیه از مسافتی دور به چشم می‌آید. دیوارهای سیاه پوش و وقت‌وآمد پیر و جوان مسیر تکیه فرزند را پر مخاطب و زنده نشان می‌دهد. شبانگاه، بعد از نماز مغرب، نوای حسینی به گوش می‌رسد و جماعت مؤمن گروه‌گروه وارد حسینیه می‌شوند. رسم عزاداری مسالار شهیدان در میان مردم کوهپایه‌نشین فرزند رسم ارادت است و نوکری خانه‌ای که همگان در آن حاجت‌روا شده‌اند. فرزندها ۴۰ روز هم‌ان حسینیه تاریخی



۸۰۰ سال حسینیه در ۶۰۰ سال حسینیه

چراغ حسینیه فرزند ۴۰۰ سال روشن است. از شب اول محرم تا پایان آن و ازربعین تا پایان ماه صفر. در این ۴۰۰ سال همه اهالی، چه غریب و چه محلی، مهمان سفره ناهار و شام هستند و در بعضی از روزها به پیش از ۴۰۰ نفر طعام داده می‌شود. بنا به رسم همیشگی، سخنرانان معمولاً از سخنرانان معروف و واعظ بنام هستند به منبر می‌روند و بعد مراسم عزاداری شروع می‌شود. دسته‌های عزاداری حسینیه فرزند در این شب‌ها به زیارت امامزاده ابوطالب(ع) و امامزاده صالح(ع) می‌روند.

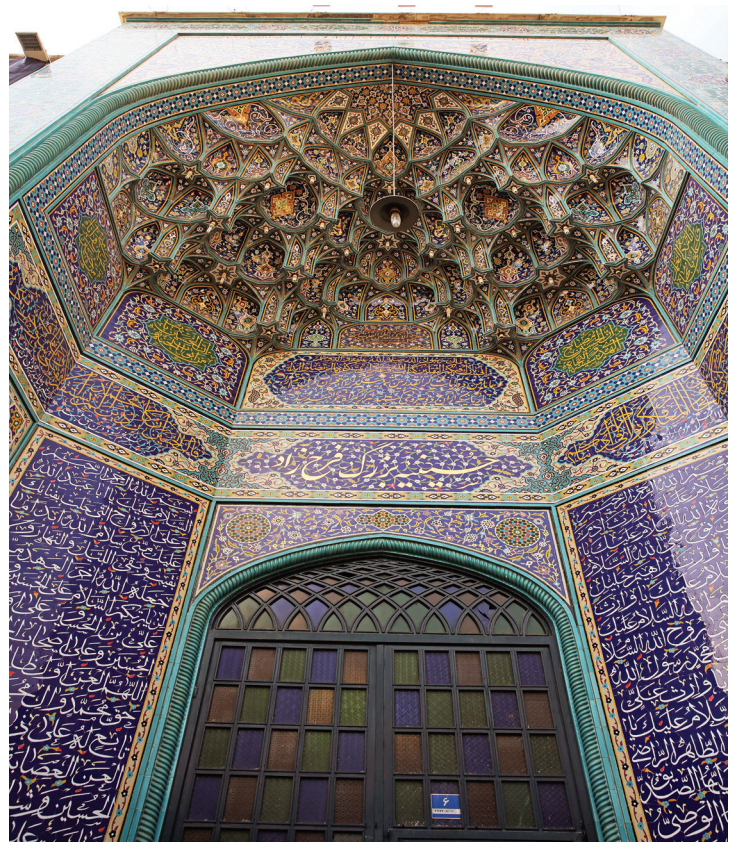
مصاحب در بنای حسینیه



فرزند حاج حسینیه تاریخی فرزند داستان جالبی از گذشته‌های دور نسل به‌نسل و سینه‌به‌سینه نقل شده که ساخت این حسینیه کار آدمیزاده نبوده است. در ساخت بنای حسینیه از چوب‌های بسیار بزرگی استفاده شده بود و از آنجا که در آن‌دوران راه دسترسی به فرزند را به پرپیچ‌وفعی بود و استومیل و ماشین‌های حمل مصالح وجود نداشت، همیشه برای اهالی فرزند سوال بود که چطور توانسته‌اند این چوب‌ها را به اینجا بیاورند؟ به‌حال آنچه مسلم است در ساخت بنای حسینیه از افراد قوی‌هیکل و بزرگ‌چته استفاده شده بود که در روزگاران دور، بعضی از مردم از روی ناآگاهی آنها را غول می‌پنداشتند. همین هم شده بود که تا سال‌ها میان اهالی فرزند، به‌ویژه کوچک‌ترها، این موضوع مطرح می‌شد که حسینیه اعظم فرزند را غول‌ها ساخته‌اند.

غذای نذری خاص حسینیه

غذای نذری معروف آشپزخانه حسینیه از همان درخت‌های گردوی موقوفه‌ای است که اهالی از سر ارادت به اهل بیت(ع) نذر کرده‌اند و همین، فسنجان نذری فرزند را شهره کرده است. بانیان طعام حسینیه مشخص هستند و هر کسی می‌داند چه روزی باید طعام دهد. دیک خورش آشپزخانه آن قدر بزرگ است که نمی‌توان به‌تنهایی ملاقه را در آن چرخاند. اگر چه این روزها جوان‌ترها مسئولیت آشپزخانه را بر عهده‌دارند و آشپها از نسل جوان هستند، ولی رحیم فرزند از حاج‌صفر فرزند، حاج‌محسن فرزند، حاج‌محسن لگی، حاج‌مصیب فرزند، حاج‌مشهدی ابراهیم فرزند (معروف به عمومی) و حاج‌مشهدی علی‌صفر فرزند به‌عنوان آشپهای قدیم حسینیه یاد می‌کند که دیگر در جمع ما نیستند؛ آنها در آشپزی طعام عزاداری محرم چیر دست بودند.



رسم خادمی، موروثی است انتخاب خادم برای حسینیه همیشه از میان افرادی بود که شایسته‌تر بودند و این شایستگی را می‌شد از ارادت و خلوصی که برای نوکری امام حسین(ع) خرج می‌کردند فهمید؛ جماعتی که در روزهای محرم و صفر دست‌ساز کار و زندگی می‌شستند و تنها برای مولایشان و در رکاب عزاداران شب و شب می‌گذرانند، پیر غلامانی همچون حاج‌اسماعیل لالی که شهره شهر بودند. فرزند از این پیر غلامان پایه‌سن گذاشته کم نداشته و ندارد؛ مردانی که هنوز خادم حسینیه هستند. رحیم فرزند رسم خادمی موروثی می‌داند: «تعدادی از خانواده‌ها از قدیم نسل به‌نسل خادم حسینیه بودند. مردم هم هنوز به احترامشان آنها را خادم می‌دانند. رسم بر این بود که خادم حسینیه قبل از مرگش وصیت می‌کرد که فلان فرزندم یا فلان فرزند از اقوام، خادم حسینیه شود. اگر هم وصیتی نبود، پسر ارشد خانواده مسئولیت را بر عهده می‌گرفت.»

راه‌اندازی موزه حسینیه

حسینیه فرزند با همه سیاه‌ها، پرچم‌ها، علم‌ها، پارچه‌ها، کتله‌ها، لباس‌های تعزیر و ظروف مسی قدیمی که دارد تاریخی دور و دراز را بر ایمان به یادگار گذاشته است. رحیم فرزند می‌گوید: «پیشنهاد ساخت موزه‌ای کوچک از آثار تاریخی حسینیه را مطرح کردیم، ولی متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود. بسیاری از خادمان و پیر غلامان حسینیه مرحوم شده‌اند. الان چند نفری باقی مانده‌اند که به‌نظرم تاریخ مجسم و تاریخ شفاهی فرهنگ فرزند هستند، ولی کسی سراغشان نمی‌رود تا خاطراتشان را مکتوب کند. این خاطرات تاریخ یک محله است که به‌سادگی از بین می‌رود. از طرفی بنای حسینیه این روزها جوابگوی عزاداران نیست. تعدادی از مغازه‌ها و خانه‌های اطراف خریداری شده است تا اگر مردم و مسئولان همت کنند، توسعه پیدا کند.»

تکیه ۱۳۰ ساله آقا سید هاشم



از حسینیه‌های قدیمی قلب پایتخت است که با قرآن و کتاب‌های سنگی و تابلوهای نقاشی منقش به واقعه عاشورا بعد از بیش از ۱۳۰ سال همچنان سراسر تا نماز ارادت پایتخت‌نشینان به اتمه(ع) باشد؛ عشقی که با شروع عزاداری‌ها و آیین‌های سنتی ماه محرم به اوج خود می‌رسد.

نواده واعظ معروف

هیبت و حسینیه آقا سید هاشم اواخر حکومت قاجار در خیابان جمهوری، حذفاصل میدان مغرب‌الدولسه و میدان بهارستان، کوچه مظفری، به همت سید هاشم شیرازی ساخته می‌شود. در اواخر سلطنت فتحعلی شاه، یکی از شیوخ این خاندان به‌نام آقا سید حسن واعظ شیرازی که کنسب به ابراهیم مجاب، از نوادگان امام موسی کاظم(ع) می‌برد، در بازگشت از زیارت مشهد مقدس به تهران می‌آید و فتحعلی شاه قاجار از او درخواست می‌کند که در تهران اقامت گزیند. از آن سال این خاندان ساکن تهران می‌شوند. سید محمد سلطان‌الواعظین شیرازی، از علمای بزرگ شیعه و جهان از نوادگان آقا سید حسن واعظ شیرازی است؛ واعظی معروف که مناظر او با گاندی بسیار معروف است.

بیت‌های نفت، سقف یک حسینیه

حسینیه سید هاشم را اواخر قاجار، آقا سید هاشم شیرازی تأسیس می‌کند درون باغی که متعلق به خودش بود. تکیه در ابتدا به‌صورت چادری بوده که به مناسبت محرم برپا می‌شد تا بعد از تکیه دولت، دومین تکیه برای عزاداران آن زمان باشد. علی‌هاشمی از پدرش که نوه سید هاشم شیرازی است، این‌طور نقل می‌کند: «بعد از آن حسینیه را با وسایل ابتدایی از جمله بیت‌های نفت‌واریاتی از شوروی مسقف کردند، اما سقف ساده حسینیه در طول زمان و بر اثر برف و باران‌های سنگین فرو ریخت. همین می‌شود که مهندس ساختمانی به نام میرهادی به‌دلیل خوابی که دیده بود سقف حسینیه را تعمیر می‌کند. حسینیه آقا سید هاشم در گذر زمان چندین بار مرمت شده است؛ آخرین مرمت در سال ۱۳۹۰ به همت سید محمد حسین هاشمی شیرازی انجام گرفته است.

یادگارهای ارزشمند

لامنت کوچک و ساده قدیمی، ۲ قطعه کتیبه کاشی بر پیشانی سردر و ۲ لچکی کاشی‌کاری هفت‌رنگ در دو طرف قوس سردر ورودی، سرستون‌های گچی مقرنس‌کاری شده و تمامی ۳۱ جلد کتاب چاپ سنگی، قرآن چاپ سنگی و وسایل دیگر مربوط به دوران صفویه و قاجار یادگارهای ارزشمندی هستند که توسط فرزندان و نوادگان سید هاشم حفظ شده است حسینیه را در فهرست سازمان میراث فرهنگی قرار دهد.

